

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

صفحه ۷۳-۵۱

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل نهادی کارکرد تشکلهای در فرش دستباف در دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی به نظریه‌ی داگلاس سی. نورث*

ریحانه کثیری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فرش، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

فرهاد باباجمالی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه فرش، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران babajamali_farhad@yahoo.com

محمد تقی طغرائی

استادیار گروه اقتصاد و کارآفرینی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

اکثراً موانع توسعه و همین‌طور کاهش تولید و صادرات فرش دستباف در بُعد اقتصادی به عواملی همچون عدم وجود بازاریابی، بی‌ثباتی نرخ ارز، تحریم‌های بین‌المللی، دستمزد و هزینه‌ی مواد اولیه‌ی تولید و عدم حمایت دولت، نسبت داده شده است. در این پژوهش ضمن پذیرفتن این عوامل در فرش دستباف و اثرات قابل ملاحظه‌ی آنها، به موضوع بسیار مهم کارکرد تشکلهای بر اساس رویکرد اقتصادنهادگرا، در این حوزه پرداخته شده است. هدف این پژوهش بررسی کارکرد تشکلهای بر اساس نظریه‌ی داگلاس سی. نورث، اقتصاددان نهادگرایی، در فرش دستباف، دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران است. گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه‌ی عمیق استفاده شده است و سپس با روش تحلیل کیفی با رویکرد تماتیک مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده است مؤلفه‌ها مخصوصاً نهادهای تأثیرگذار در ابتدا شناسایی و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. همچنین برای اندازه‌ی تعداد مصاحبه‌ها از اشباع نظری استفاده شده است و مصاحبه‌ها تا زمانی که ایده‌ی جدیدی کشف نشد، ادامه یافت. نمونه‌های مورد مصاحبه بر اساس تخصص‌های لازم و سؤالات نیز بر همین اساس تدوین شده است که به شیوه‌ی کدگذاری با نرم‌افزار maxQDA کدگذاری، مقوله‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است که نتایج قابل ملاحظه‌ای از آن به دست آمده است. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد: از چالش‌های مهم نهادی نبود جامعه‌ی مدنی قدرتمند است، و عدم فعالیت تشکلهای، الف: هزینه‌ی مبادله را بالا می‌برد (عدم انسجام سراسری اصناف و اتحادیه‌های فرش دستباف برای حل مشکلات خود). ب: حقوق قشرهای مختلف جامعه که بر اساس چانه‌زنی محقق می‌شود را به گروه‌های سیاسی و یا امیال سیاست‌مداران می‌سپارد. ج: در جامعه‌ی دسترسی‌باز، دسترسی به رانت مولد اقتصادی برای همگان و نه صرفاً فرادستان است که این مهم نیاز به برابری حقوقی و آزادی و استقلال تشکلهای و سازمان‌های مستقل است و اگر این جامعه‌ی مدنی پر قدرت وجود نداشته باشد دسترسی‌باز امکان‌پذیر نخواهد بود.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد نهادی، تشکلهای، هنر-صنعت فرش دستباف، داگلاس سی. نورث، جمهوری اسلامی ایران

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «شناسایی و تحلیل عوامل نهادی مؤثر بر هنر-صنعت فرش دستباف در دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران» در دانشکده‌ی صنایع دستی دانشگاه هنر اصفهان با راهنمایی جناب آقای دکتر فرهاد باباجمالی و جناب آقای دکتر محمد تقی طغرائی است.

Institutional analysis of the performance of organizations in

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی

فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

۵۱

handwoven carpets during the period of the Islamic Republic of Iran with an approach to the theory of Douglas C. North

Reyhaneh Kasiri

Master of Carpets, Isfahan Art University, Isfahan, Iran

Farhad Babajamali

Assistant Professor of Carpet Department, Isfahan Art University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

babajamali_farhad@yahoo.com

Mohammad Taghi Taghraei

Assistant Professor, Department of Economics and Entrepreneurship, Isfahan Art University, Isfahan, Iran

Abstract

Most of the obstacles to development as well as the decrease in the production and export of handwoven carpets in the economic dimension are attributed to factors such as lack of marketing, exchange rate instability, international sanctions, wages and cost of production raw materials, and lack of government support. In this research, while accepting these factors in handwoven carpets and their significant effects, the very important issue of the functioning of organizations based on the economic-institutional approach has been addressed in this field. The purpose of this research is to investigate the functioning of organizations based on the theory of Douglas C. North, the economist of institutionalism, in the hand-woven carpet, is the period of the Islamic Republic of Iran. Collecting materials using library method (documents) and collecting data using in-depth interview method and then using qualitative analysis method with a thematic approach and trying to identify the components, especially influential institutions, and then analyze them.. Also, theoretical saturation has been used to measure the number of interviews And the interviews continued until a new idea was not discovered. The interviewed samples were compiled based on the necessary expertise and the questions were compiled accordingly, which were coded, categorized, and analyzed using maxQDA software, which yielded significant results. Has been achieved. The investigations of this research show; One of the important institutional challenges is the absence of a powerful civil society, and the inactivity of the organizations, A: increases the cost of exchange (the lack of national cohesion of handwoven carpet guilds and unions to solve their problems). B: It leaves the rights of different sections of the society, which are realized based on bargaining, to political groups or the wishes of politicians. A: In an open access society, access to productive economic rent is for everyone and not only Faradistan, which is the important need for legal equality and freedom and independence of independent organizations and organizations, and if this powerful civil society does not exist Open access will not be possible.

Key words: institutional economy, organizations, hand-woven carpet art-industry, Douglas North, Islamic Republic of Iran

Institutional analysis of the performance of organizations in handwoven carpets during the period of the Islamic Republic of Iran with an approach to the theory of Douglas C. North

مقدمه ■

اهمیت هنر- صنعت فرش دستباف به عنوان یکی از کالاهای غیرنفتی صادراتی و همچنین اشتغالزایی گسترده‌ی آن، بر کسی پوشیده نیست، یکی از معضلاتی که در دوره‌ی معاصر (چهل و چهار سال اخیر) موجب از رونق افتادن این هنر- صنعت بوده است، روند نزولی در صادرات است. این کالا در حال حاضر در تولید و صادرات، شاهد بروز مشکلات و نارسایی‌های متعدد در انطباق با شرایط نوین بازارهای بین‌المللی و کسب موقعیتی درخور شأن و مقام خود است (فرجی و شاکری، ۱۳۹۱: ۱۹۴). چنانچه در سال ۱۴۰۲ صادرات فرش دستباف ایران تقریباً به صفر رسیده است. چالش‌های موجود در حیطه‌ی شکل‌های صنف و سندیکاهای کارگری (اتحادیه‌ی صنفی، انجمن صنفی، اتحادیه‌ی تعاونی) قابل بررسی است که از منظر اقتصاد نهادی با رویکرد نظریه‌ی داگلاس نورث مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: عوامل نهادی مؤثر بر هنر- صنعت فرش دستباف کشور در شکل‌گیری تشکلهای کدامند؟ کارکرد تشکلهای در فرش دستباف به چه صورت است؟ و چه اثراتی بر تولید و توزیع و صادرات فرش دستباف دارند؟

نهادها در واقع «قواعد» و «قوانینی» هستند که رفتارهای اقتصادی (و رفتار اجتماعی) افراد را معین می‌کنند؛ یعنی رفتارهای اقتصادی جامعه در چارچوب نهادها معین می‌شود (نورث، ۱۳۸۵: ۲۱). در تئوری اقتصاد جریان اصلی^۱ [اقتصاد خرد] هر جامعه‌ای باید بتواند چهار وظیفه‌ی اقتصادی را انجام دهد، منابع را تخصیص دهد یعنی تصمیم بگیرد چه تولید شود، محصول را چگونه توزیع کند، چه کسی محصول را مصرف کند و امکان رشد را فراهم سازد (فرگوسن، ۱۳۸۸: ۶). در تحلیل کلان اقتصادی جریان اصلی تمرکز اصلی بحث اقتصاد بر روی متغیرهای مهم نرخ بهره، دستمزد، تورم، نرخ ارز و رشد اقتصادی است؛ اما در این پژوهش در عین پذیرش نظریات اقتصادی جریان اصلی، که مدعی است (مکانیسم قیمت‌ها و تئوری‌های بنگاهداری مدرن کارایی را تضمین می‌کند) به بحث مکمل این نظریات که کارکرد نهادهاست و موضوع نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود، نهادها و قوانین و سازمان‌ها در فرش دستباف، به صورت نظری پرداخته شده است.

البته به طور کلی توسعه‌ی اقتصادی ملت‌ها منوط به این خواهد بود که نهادهای موجود در کشور برای توسعه‌ی اقتصادی مناسب باشند. درواقع نهادگرایی نوعی تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را در شکل‌گیری کارگزاران و وقایع اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌دهد (دادگر، ۱۳۸۴: ۳۶). داگلاس سی. نورث در تحلیل‌های خود به بررسی تاریخ اقتصادی، عملکرد اقتصادی و تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی اشاره می‌نماید. و همچنین وی رفتارها و کنش بازیگران اصلی در اقتصاد را تبیین و تحلیل می‌کند. این پژوهش در راستای نظریه‌ی نورث به تحلیل کارکرد تشکلهای فرش دستباف، شناخت آرایش تشکلهای در این هنر- صنعت و نقش آن‌ها در توسعه‌ی فرش دستباف، پرداخته است.

■ پیشینه‌ی پژوهش داخلی و خارجی

بیتو و میکایلز در مقاله‌ای (۲۰۱۸) تحت عنوان «اثرات بازار کار عدم یکپارچگی اتحادیه‌های کارگری» بیان می‌دارند که قدرت چانه‌زنی اتحادیه‌های کارگری در شرکت‌ها و بخش‌ها متفاوت است. مدل‌های استاندارد اتحادیه‌سازی این الگو را با فرض قدرت چانه‌زنی یکسان نادیده می‌گیرند. در این مقاله، ناهمگنی اتحادیه را در یک مدل از نوع ملیتز (۲۰۰۳) ادغام کرده و فرض می‌شود که قدرت چانه‌زنی اتحادیه برای شرکت خاص است و با بهره‌وری شرکت متفاوت است. این چارچوب این امکان را داده است تا ۱- اثرات بازار کار، ۲- افزایش مقارن در قدرت چانه‌زنی همه‌ی اتحادیه‌ها ۳- آزادسازی تجارت را دوباره تحلیل کنند. در نتیجه عدم یکپارچگی اتحادیه به طور واضح اثرات منفی اشتغال

اتحادیه‌های قوی‌تر را کاهش می‌دهد. قدرت چانه‌زنی خاص بنگاه، پیوندی بین اتحادیه‌سازی و ورود و خروج شرکت‌ها ایجاد می‌کند که به معنای کاهش قدرت چانه‌زنی مورد انتظار اتحادیه‌ها است. علاوه بر این، عدم یکپارچگی اتحادیه، یک اثر (غیر) اشتغال آزادسازی تجارت را تشکیل می‌دهد. اگر اتحادیه‌ها در شرکت‌های با بهره‌وری بالا (با بهره‌وری پایین) قدرتمندتر باشند، آزادسازی تجارت بیکاری را افزایش (کاهش) خواهد داد (Pinto & Michaelis, 2018:17).

بنتون و کاترین (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تفاوت بین نهادهای نظارتی، اتحادیه‌های حرفه‌ای و اتحادیه‌های کارگری» بررسی ادبیاتی ادغام‌شده برای شناسایی و ارزیابی چگونگی تفاوت و تعامل نهادهای نظارتی، انجمن‌های حرفه‌ای و سازمان‌های صنفی ارائه شده است. تعداد کمی از مطالعات، از طیف وسیعی از رشته‌ها، این موضوع را بررسی کرده‌اند. ۹ مطالعه مورد بررسی قرار گرفت که منجر به شناسایی ۱۶ مضمون و ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها شد. اگرچه این سه نوع سازمان ممکن است برخی از بلندهمتی‌های کلیدی را با یکدیگر به اشتراک بگذارند، اما دیدگاه‌های در نظر گرفته شده برای دستیابی به این بلندهمتی‌ها اغلب متفاوت است، همان‌طور که می‌تواند ذینفع نهایی یا اصلی این اقدامات باشد (Benton & Katherine, 2017:5).

سردارنیا و جاهدین محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «سازوکارهای حقوقی تعامل اصناف با دولت و ضعف نهادمندی اتحادیه‌های صنفی در ایران» در پی تمرکز بر تحلیل سازوکارها و الزامات حقوقی در ارتباط با روابط اتحادیه‌های صنفی با دولت، کاستی‌ها و ضعف نهادمندی این روابط در ایران است. در قانون نظام صنفی و قانون اساسی ایران، الزامات، تمهیدات و فرصت‌های لازم برای فعالیت اتحادیه‌های صنفی عمدتاً پیش بینی شده‌اند لذا عدم موفقیت کامل اتحادیه‌های صنفی را باید در متغیرهای سیاسی، تشکیلاتی سازمانی و متغیرهای جامعه‌شناسی جستجو کرد. البته در این نوشتار موفقیت‌های نسبی عملکردی و پیشرفت‌های تشکیلاتی اتحادیه‌های صنفی نادیده گرفته نشده‌اند ولی با نقطه‌ی مطلوب فاصله‌ی نسبتاً زیادی وجود دارد. قلی‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر حقوق بخش تعاونی؛ خیال، نه واقعیت» به حقوق بخش تعاونی با عناوین کلی تعاونی به عنوان یک بخش اقتصادی، ماهیت تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاونی و آسیب‌های قانون به حقوق و کارکرد عادی تعاونی‌ها بررسی و تحلیل شده و در نهایت با تحلیل‌های انجام‌شده، این نتیجه به دست آمده است که با توجه به اشکالات ساختاری و حقوقی مطرح‌شده با نگرداشتن شرکت‌های تعاونی، بخش تعاونی و بقیه‌ی محتویات آن شامل وزارت تعاون، اتاق‌های تعاون، اتحادیه‌های تعاونی و صندوق تعاون و بانک توسعه‌ی تعاون و همچنین همه‌ی اولویت‌های در نظر گرفته‌شده برای تعاونی‌ها باید حذف شوند و قانون اساسی، قانون بخش تعاونی و قانون سیاست‌های اصل ۴۴ باید به نحو مناسب اصلاح شوند.

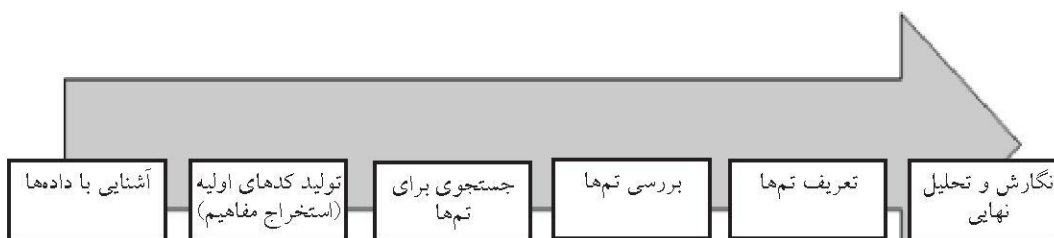
در پژوهش‌های پیشین بیشتر به بررسی سازوکارهای حقوقی اصناف و اتحادیه و تعاونی‌ها و سازوکارهای اتحادیه‌های کارگری پرداخته شده است اما در این پژوهش ضمن تأیید این مسائل به بررسی تخصصی ساختار نهادها (قوانین)، جامعه‌ی مدنی و تأثیر آن‌ها صرفاً در فرش دست‌باف پرداخته شده است.

■ روش‌شناسی پژوهش

تحلیل تماتیک (TA) یک روش برای تحلیل داده‌های کیفی و یکی از روش‌هایی است که بر شناسایی الگوی معنایی در یک مجموعه داده تمرکز دارد. این تحلیل، فرایند شناسایی الگوها یا تم‌ها در بطن داده‌های کیفی است. به عبارت دیگر، در روش تحلیل تماتیک، پژوهشگر آزادی عمل بسیاری دارد و لزومی به مراجعه یا ارجاع به مبانی نظری ندارد و می‌تواند در پی کشف الگوی خود باشد. هدف تحلیل تماتیک، شناسایی تم‌ها، یعنی الگوها در داده‌های مهم یا جالب توجه پژوهشگر است و

از این تم‌ها برای پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده می‌کنند یا این که مطالبی در مورد یک مسأله گفته می‌شود (Maguire & Delahun, 2017: 3353). براون و کلارک تحلیل تماتیک را اولین روش کیفی می‌دانند که باید یاد گرفته شود: زیرا مهارت‌های اصلی را فراهم می‌کند و برای انجام بسیاری از انواع دیگر تحلیل‌ها نیز مفید خواهد بود (Braun & Clarke, 2006: 78). یک تحلیل تماتیک خوب، هر چیزی را خوب درک و تفسیر می‌نماید و آن را حس می‌کند (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۹).

نحوه‌ی انجام تحلیل براون و کلارک یک راهنمای شش مرحله‌ای ارائه داده‌اند که چارچوبی بسیار مفید برای انجام این نوع تحلیل است (تصویر ۱). در طول انجام کار، پژوهشگران از یک مرحله به بعد حرکت می‌کنند؛ اما مراحل لزوماً خطی نیستند. شما ممکن است چندین بار بین آن‌ها به جلو و عقب بروید؛ به خصوص اگر با بسیاری از اطلاعات پیچیده برخورد کرده باشید. روند این پژوهش با روش تحلیل تماتیک انجام شده است و برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه‌ی عمیق و برای اندازه‌ی تعداد مصاحبه‌ها از اشباع نظری استفاده شده است و مصاحبه‌ها تا زمانی که ایده‌ی جدیدی کشف نشد ادامه یافت. همچنین با نرم‌افزار maxQDA کدگذاری مقوله‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است.



تصویر ۱- چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک برای انجام تحلیل تماتیک فرایند تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها: قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۲.

■ یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها

■ مبانی نظری

● نهاد

در اقتصاد نهادگرایی جدید تعریف نورث^۲ از نهادها مشهورترین تعریفی است که تاکنون ارائه شده است و مورد قبول اکثر محققان قرار گرفته است (Kingston & Caballero, 2009: 154). به نظر نورث «نهادها قوانین بازی در جامعه هستند یا به عبارتی دیگر، فیود هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی. نهادها از قوانین رسمی (همچون قواعد، قوانین، قانون اساسی)؛ قوانین غیر رسمی (مانند ارزش‌های رفتاری، عرف، اصول رفتاری خود تحمیلی) و خصوصیات اجرایی آن‌ها تشکیل شده‌اند» (نورث، ۱۳۸۵: ۱۹). کوز^۳ هر فعالیت اقتصادی را به یک بازی تشبیه می‌کند که نهادهای رسمی و غیر رسمی قواعد آن بازی را تشکیل می‌دهند. فرد بر اساس قواعد مربوط استراتژی انتخاب می‌کند که کمترین هزینه مبادله را داشته باشد (متوسلی و فتح‌اللهی، ۱۳۸۹: ۲۹). نورث بین سازمان و نهاد تفاوت قائل می‌شود و معتقد است که سازمان‌ها هم مثل نهادها به کنش متقابل انسان‌ها ساختار می‌بخشند. در حقیقت وقتی هزینه‌هایی را بررسی می‌کنیم که از چارچوب‌های نهادی سر برمی‌آورند می‌بینیم که این هزینه‌ها فقط محصول چارچوب‌های مزبور نیستند بلکه محصول سازمان‌هایی هستند

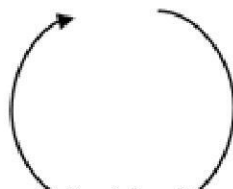
که به تبع آن چارچوب‌ها رشد کرده‌اند. به لحاظ مفهومی باید به‌وضوح میان بازیکنان و قواعد بازی تفاوت گذاشت (نورث، ۱۳۸۵: ۲۱). درواقع نورث بازیکنان را سازمان و قواعد بازی را نهاد تعریف می‌کند (همان: ۲۲).

● سازمان

با دیدگاهی که شرح آن آمد، در واقع نهاد، به معنی قانون و قواعد است و با «سازمان»^۴ متفاوت است. نورث معتقد است سازمان‌ها از مجموعه‌ای از افراد تشکیل شده‌اند که حول هدف مشترکی برای رسیدن به اهداف معینی متحد شده‌اند. سازمان‌ها شامل شاکله‌های سیاسی، شاکله‌های اقتصادی، شاکله‌های اجتماعی و شاکله‌های آموزشی هستند (Douglass C. North, 2000: 23). ازاین‌رو در بیشتر موارد اعضای سازمان درباره‌ی رفتار دیگر اعضا و درباره‌ی هنجارها و مقررات سازمان متبوع خود به باور مشترکی می‌رسند (ریچارد، (دده بیگی، ۱۳۸۷: ۵۴).

نهاد

سازمان



تصویر ۲ - تأثیر دوجانبه‌ی نهاد و سازمان: یافته‌های تحقیق، نگارندگان

در تصویر ۲ عامل زمان و پویایی یا دینامیک دو متغیر در علم اقتصاد نهادی نقش بسیار مهمی دارد در نتیجه بررسی اقتصاد نهادی بررسی ایستا نیست بلکه پویاست.

کنش‌گران نهاد و سازمان را، جامعه‌ی مدنی تشکیل می‌دهد. در مفهوم عام جامعه‌ی مدنی جامعه‌ای است متشکل از گروه‌های ارادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که باهدف پیشبرد منافع‌ها و علاقه‌ها و سلیقه‌های افراد تشکیل می‌شوند (مهبادی، ۱۳۸۲: ۲).

● جامعه مدنی

اصطلاح جامعه‌ی مدنی معمولاً در مقابل دولت، به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است^۵ و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکلهای خصوصی و مدنی را در برمی‌گیرد (مردانی، ۱۳۹۴: ۴). البته منظور از دخالت، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجرا است و در تعریفی دیگر جامعه‌ی مدنی آن حوزه از فضای اجتماعی است که در آن افراد و گروه‌های غیرسیاسی با یکدیگر وارد کنش متقابل می‌شوند و زندگی خود را سامان می‌دهند. به سخن دیگر آن کیفیت از جامعه است که می‌تواند آن را سامان دهد بی‌آنکه نیاز به ساماندهی^۶ دولت باشد (کمالی، ۱۳۸۱: ۶۰).

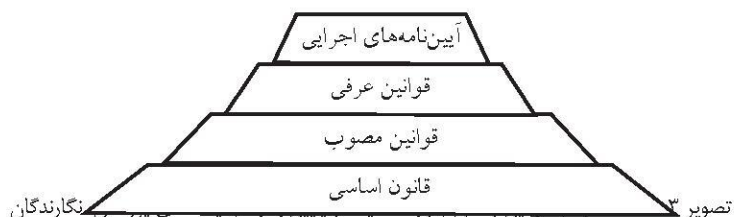
● مفهوم کارکرد

رابرت مرتون، جامعه‌شناسی است که مهم‌ترین گام را در تبیین مفهوم «کارکرد»^۷ و تعریف آن داشته است. به نظر وی، کارکردها عبارتند از: عملکردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند (ریترز، ۱۴۷: ۱۳۹۹). درکل کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (همان: ۱۳۱).

● چارچوب نظری نورث

به بیان نورث نهادها، به دو دسته‌ی عوامل نهادی رسمی (همچون قواعد، قوانین، قانون اساسی) و عوامل نهادی غیر رسمی (مانند ارزش‌های رفتاری، عرف، اصول رفتاری خود تحمیلی) تقسیم می‌شود (North, 2005: 19). قواعد رسمی اساس و بنیان محدودیت‌های غیررسمی هستند. با این حال، قواعد رسمی به‌ندرت در کنش‌های متقابل روزانه، منشأ مستقیم و مشهود انتخاب قرار می‌گیرند. اما منشأ محدودیت‌های غیررسمی کجاست؟ نورث بیان می‌دارد این محدودیت‌ها از اطلاعاتی که به طرق اجتماعی انتقال می‌یابند، سرچشمه می‌گیرند و بخشی از میراثی را تشکیل می‌دهند که فرهنگ^۸ می‌نامیم (نورث، ۱۳۸۵: ۶۹). این واقعیت حائز اهمیت است که محدودیت‌های غیررسمی نشأت گرفته از فرهنگ، نسبت به دگرگون‌شدن قوانین رسمی به‌سرعت واکنش نشان نمی‌دهند. خصایل فرهنگی، قابلیت درخوری برای بقا دارند و دیگر این‌که بیشتر تغییرات فرهنگی گام‌به‌گام هستند. در نتیجه تنش میان قوانین رسمی دگرگون‌شده و محدودیت‌های رسمی دیرپای، نتایجی به بار می‌آورد که پیامدهای مهمی برای مسیر تغییر اقتصادی به دنبال دارد (همان: ۸۲). بنابراین به دلیل این‌که قوانین رسمی را ارادی، آگاهانه و مؤثر می‌توان تغییر داد و سرعت واکنش سریع‌تری (از سمت جامعه)، نسبت به قوانین غیررسمی دارد، بنابراین در این پژوهش به بررسی تشکلهای، فقط در چارچوب قوانین رسمی پرداخته شده است. چرا که «تکوین نظام‌های حقوقی رسمی به منظور رتق وفتق اختلافات پیچیده‌تر مستلزم قوانین رسمی است. هدف از تصویب قوانین رسمی می‌تواند تعدیل، بازنگری یا جایگزینی محدودیت‌های غیررسمی باشد و حتی گاهی اوقات (اما نه همیشه) می‌شود قوانین رسمی را جایگزین قوانین غیررسمی کرد. قوانین رسمی می‌توانند تأثیرگذاری محدودیت‌های غیررسمی را کامل کنند و آن را افزایش دهند. این قوانین می‌توانند از هزینه‌های کسب اطلاعات، نظارت و اجرا بکاهند و بنابراین محدودیت‌های رسمی را به‌عنوان راه‌حل مبادلات پیچیده‌تر ممکن سازند» (north & Nantzavinos, 2004:118).

قوانین رسمی، مشتمل هستند بر قوانین سیاسی و قضایی، قوانین اقتصادی و قراردادهای سلسله‌مراتب چنین قوانینی، از قوانین اساسی^۹ گرفته تا مجموعه قوانین مصوب^{۱۰} و قوانین عرفی^{۱۱}، آیین‌نامه‌های ویژه^{۱۲} و نهایتاً قراردادهای فردی معرف [طیف] محدودیت‌هایی است که یک سر آن قوانین عمومی است و سر دیگر آن موارد خاص قانونی^{۱۳} (تصویر ۳). قوانین اساسی نوعاً طوری طراحی می‌شوند که هزینه‌ی تغییر آن‌ها بسیار بیشتر از هزینه‌ی تغییر قوانین مصوب است، درست همان‌طور که هزینه‌ی تغییر قوانین مصوب بسیار بیشتر از هزینه‌ی تغییر قراردادهای شخصی است. قوانین سیاسی به‌طورکلی ساختار حکومت، ساختار اصلی تصمیم‌گیری و ویژگی‌های صریح نظارت بر برنامه را تعریف می‌کنند (نورث، ۱۳۸۵: ۸۵).



● عوامل نهادی رسمی فرش دست‌باف

در ساختار قانونی که نورث آن را بر اساس چهار سلسله مراتب قانونی^{۱۴} ذکر می‌کند، به این شرح است:

۱- قوانین اساسی ۲- قوانین مصوب ۳- قوانین عرفی ۴- آیین‌نامه‌های اجرایی

در قوانین مدون در نظام حقوقی ایران، قوانینی در حیطه‌ی نظام عرفی وجود ندارد و سلسله مراتب قوانین رسمی به سه مرحله تقلیل یافته است که هنجارهای حقوقی (بایدها و نبایدها) نامیده می‌شود. اما شایان ذکر است که در جمهوری اسلامی ایران یک سری قانون و قوانین است که «اسناد بالادستی»^{۱۵} نامیده می‌شود و بین قوانین اساسی و قوانین عادی جایی می‌گیرد.

سلسله مراتب رسمی در جمهوری اسلامی ایران: ۱- قوانین اساسی ۳- قوانین عادی (مصوب) (اسناد بالادستی) ۴- تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی دولتی

در این مقاله به بررسی کارکرد تشکلهای در چارچوب قوانین رسمی به علت اهمیت موضوع به قانون اساسی و قانون مصوب پرداخته شده است و در ادامه قوانینی که در دل هنجارهای قانونی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با تشکلهای است مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۱)

جدول ۱- هنجارهای قانونی که مرتبط است با تشکلهای و جامعه‌مدنی و کارگزاران و دست‌اندرکاران فرش دستباف

هنجارهای مورد بررسی قانونی ایران		
قانون اساسی	اصل ۲۶	احزاب، جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی
	اصل ۱۰۴	تأمین شوراها و نمایندگان کارگران و مدیران
قوانین مصوب (عادی)	تبصره چهارم ماده ۱۳۱ قانون کار	شورای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی یا نماینده مستقیم
	ماده ۷۷ قانون نظام صنفی	به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف به کمیسیون‌های نظارت مراکز استان‌ها اجازه داده می‌شود، به تشخیص خود، در هر استان نسبت به تشکیل اتحادیه استانی، بدون رعایت مفاد ماده (۲۱) این قانون جهت بافندگان مذکور اقدام کنند. این اتحادیه‌ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان خود خواهند بود

یافته‌های تحقیق، نگارندگان

● قانون اساسی

در میان قوانین و مقررات جاری اصول ۲۶، ۱۰۴، ۱۳۶۹، قانون اساسی، به‌طور مستقیم و قانون شوراهای اسلامی کار و فصل ششم قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، مستقیماً به حقوق و آزادی‌های سندیکایی ارتباط دارد (رنجبری، ۱۳۸۷: ۱۱۰). این دو اصل که مرتبط با تشکلهای فرش دستباف است در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. (جدول ۲)

قانون اساسی

تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، کانون‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و انجمن‌های گوناگون، ادیان رسمی، صنفی، فرهنگی، ادبی، هنری با اساسنامه و مرام‌نامه‌ی مصوب و اعلام‌شده آزاد است، مشروط بر این‌که در محتوای مرام‌نامه و در عمل اصل استقلال، آزادی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکرده و علیه آن اقدام ننمایند و نیز مسلح و یا وابسته به بیگانه نباشند.	پیش‌نویس گروه قرائت‌شده در جلسه‌ی بیست و ششم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی	اصل ۲۶
احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزاد هستند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور کرد.	اصل ۲۶ مصوبه‌ی نهایی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی	
به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه‌ی برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها، از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود و وظایف و اختیارات آن‌ها را قانون معین می‌کند.	اصل ۱۰۴ قانون اساسی	اصل ۱۰۴

یافته‌های پژوهش، نگارندگان

جدول ۳- تفاوت پیش‌نویس اصل ۲۶ با مصوبه‌ی نهایی این اصل و حذف چندین واژه (تقلیل جامعه‌ی مدنی) از این اصل

پیش‌نویس گروه قرائت‌شده‌ی جلسه‌ی بیست و ششم	اصل ۲۶ مصوبه‌ی نهایی
تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، کانون‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و انجمن‌های گوناگون، ادیان رسمی، صنفی، فرهنگی، ادبی، هنری	احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی

یافته‌های پژوهش، نگارندگان

با توجه به جدول ۳، به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان قانون اساسی در اصل ۲۶ روش خاصی برای به‌کار بردن کلمات مد نظر نداشتند و همان‌طور که از صدر اصل پیدا است، کلمات احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی همگی در کنار هم ذکر شده‌اند، در حالی که این کلمات به لحاظ معنا با یکدیگر متفاوت هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۴).

در این اصل سه نهاد ذکر شده‌اند که هر کدام کارکرد جداگانه‌ای دارند. یکی موضوع «احزاب» است که به واقع به دنبال کسب قدرت هستند. البته موضوع سیاست به طور کلی و در همه جای جهان موضوع قدرت است و وظیفه‌ی ذاتی هر سیاست‌مدار و حزب سیاسی به‌دست آوردن قدرت و حفظ آن و در نهایت بسط قدرت است که این امر جهان شمول است (اسکندری، ۱۳۷۸: ۴۸). اما آیا این سه مرحله از طریق دموکراسی و رقابت قانونی حاصل می‌شود یا از طریق کودتا، انقلاب، دیکتاتوری، شورش و جنگ که بحث دیگری است.

موضوع دیگر «انجمن‌های اسلامی» است که آنچه در خصوص آن‌ها در ابتدا به ذهن می‌رسد فعالیت در عرصه‌ی فرهنگی و مذهبی است زیرا بنیان‌گذاران اولیه‌ی انجمن اسلامی قبل از انقلاب هدف اصلی خود را فعالیت در حوزه‌ی فرهنگی برای دین مبین اسلام تبیین نموده‌اند.

موضوع دیگر مفهوم «سندیکا»^{۱۶} یا همان گروهی متشکل از کارگران و کارفرمایان است که برای دفاع از منافع

صنفی یا حرفه‌ها و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضای خود، اقدام به ایجاد تشکل می‌نمایند که در قانون اساسی خالی مانده است (قاضی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

نام سندیکا در متن نهایی مصوب مجلس در سال ۱۳۵۸ وجود ندارد اما در پیش‌نویس گروه قرائت‌شده در جلسه بیست و ششم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی اصل ۳۰ واژه‌ی سندیکا ذکر شده است.

مطالعات انجام‌شده در این پژوهش، نشان می‌دهد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق بر تشکیل و پیوستن سندیکا، صراحتاً و شخصاً مورد توجه قرار نگرفته و این واژه حذف شده است، این در حالی است که بسیاری از قوانین اساسی کشورهای مترقی جهان به تفصیل یا اجمال به موضوع عنایت داشته و آن را جزء حقوق بنیادین کارگران به‌شمار آورده‌اند. این نکته، به‌خصوص با در نظر گرفتن زمان تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این‌که در آن موقع، تأمین حقوق کارگران در تمام ابعاد آن بحث روز بود و اساساً شعار ایدئولوژیکی از دو ابرقدرت جهان را تشکیل می‌داد، عجیب می‌نماید، به‌ویژه که کارگران و اتحادیه‌های آنان نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب ضد سلطنتی ایفا نمودند (رنجبری، ۱۳۸۷: ۱۱۰). هرچند که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی نیز مقرر شده است: «شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها، از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود». اما روشن است که شوراهایی را که در این اصل به آن‌ها اشاره شد، به هیچ وجه نمی‌توان «سندیکا» تلقی کرد زیرا؛ اول این‌که در این اصل هدف از تشکیل شوراها، تأمین قسط اسلامی، همکاری در تهیه‌ی برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور امت و نه تأمین، حمایت و ارتقای منافع کارگران و یا کارفرمایان؛ است و دوم این‌که شورایی را که در آن هم نمایندگان کارگران و هم مدیران حضور دارند نمی‌توان سندیکای کارگری و یا کارفرمایی نامید (همان: ۱۱۱). وعلاوه بر این از نظر بین‌المللی تشکیل شوراها با ایجاد اتحادیه‌ها هم متفاوت است. به علاوه این‌که به لزوم تشکیل شوراها در امور مختلف اشاره شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱).

یکی دیگر از انواع انجمن‌هایی که در اصل ۲۶ ذکر شده است، و مورد بحث این پژوهش است، انجمن‌های صنفی است که به نظر می‌رسد که در مصوبه‌ی نهایی اصل ۲۶ به جای سندیکا قرار گرفته است. هرچند که سندیکا سازمانی صرفاً صنفی نیست و با انجمن صنفی^{۱۷} تفاوت‌های بنیادی دارد. انجمن صنفی که سابقه‌ای در حقوق کار ایران ندارد و قانون‌گذار از تشریح و چگونگی آن خود را معاف و موضوع را به قوه‌ی مجریه واگذار می‌نماید از سال ۱۳۷۰ به بعد با وضع مقررات و آیین‌نامه‌های مربوطه، شاهد تشکیل این نهاد جدید در دنیای حقوق کار هستیم. اما از آن‌جا که حکومت بر پایه‌ی اسلام در جهان معاصر پدیده‌ای نوین است و سعی بر آن بوده است تمام پدیده‌های نو را که در حکومت اولیه‌ی اسلام سابقه‌ای نداشته به تناسب اوضاع و احوال و فرهنگ و دین خود تعدیل و به‌دور از تقلید از پدیده‌های موفق دیگران الگوبرداری کند، شاید به خاطر چنین حساسیتی قانون‌گذار از به‌کار بردن عناوینی چون سندیکا پرهیز نموده است. بدین ترتیب نهادهای جدید با عناوینی نوین ایجادشده که در طی زمان و در کوران حوادث و درمیان نقد و بررسی موشکافانه‌ی حقوقدانان و اسلام‌شناسان به نهادهایی کاملاً اسلامی و مناسب با اوضاع و احوال و شرایط کشور تبدیل کردند و اکنون این نهاد بسیار جوان است و مقررات مربوط به آن بسیار ناقص و رویه و سابقه‌ی چندانی نیز نداریم. به خاطر کلی بودن شروط محدودکننده، دغدغه و نگرانی نهادهای مربوطه در تفسیر دموکراتیک از این شروط کلی است. اما متأسفانه قوانین ما در راستای اعمال این محدودیت‌ها، عرصه را چنان محدود کرده‌اند که نظام سندیکایی را از فلسفه‌ی اساسی خود دور کرده‌اند. (همتی، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

آزادی تشکلهای در نظام جمهوری اسلامی ایران منوط به آن است که اصل استقلال دولت در عرصه‌های

گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی و اجتماعی به واسطه‌ی اعمال نفوذ بیگانگان نقض و خدشه‌دار نشود (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۵). متأسفانه به‌رغم شعارهای انتخاباتی مخصوصاً از طرف جناح اصلاحات که خواستار تقویت جامعه‌ی مدنی و ادعای حامی بودن این بخش را داشته است، بنا بر نظر صاحب‌نظران که در مصاحبه‌های این پژوهش شرکت کرده‌اند، نه در مجلس و نه در دولت هرگز اقدام اساسی در سطح قانون اساسی یا قانون عادی برای تقویت این بخش (صنف و سندیکا یا تشکل‌ها) انجام نشده است و حداکثر در حد آیین‌نامه‌ی اجرایی عمل شده است که این آیین‌نامه‌ها به راحتی قابل تغییر در دولت بعدی است.

در جدول ۴ انواع اجزای بازار فرش دست‌باف و تشکل‌های موجود در آن دسته‌بندی شده است. و ماهیت هر تشکل و تعداد تقریبی آن‌ها در سراسر کشور مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که این نکته قابل ذکر هست که در این پژوهش تلاش بر این بوده که به آمار صحیح دست پیدا شود اما متأسفانه اطلاعات دقیقی از تشکل‌ها نه در سازمان‌ها (مرکز ملی فرش) و نه در بین مصاحبه‌کنندگان وجود نداشت. و هر آن‌چه هست همه تلاش نگارندگان در این پژوهش است.

جدول ۴- انواع اجزای بازار فرش دست‌باف و تشکل‌های موجود در آن

عنوان	تشکل‌های فرش دست‌باف	ماهیت تشکل	تعداد تقریبی در کشور
بافندگان	اتحادیه‌های تعاونی‌های تولیدی شهری (استانی - سراسر ایران)	تعاونی	
	اتحادیه‌ی مرکزی تعاونی‌های روستایی (استانی - سراسر ایران)	تعاونی	۲۱ اتحادیه و ۲۸۵ تعاونی فعال
	اتحادیه‌ی صنفی (استانی - سراسر ایران)	کارفرمایی	
طراحان و نقاشان	انجمن استانی	انجمن	در ده استان
رنگرزان	فاقد تشکل	-	
رفوگران و مرمت‌کاران	انجمن صنفی رفوگران و مرمت‌کاران	انجمن کارگری	فقط یک عدد - در استان تهران
تولیدکننده	خوشه‌های صنعتی	خوشه	هفده خوشه در سراسر ایران
فروشنده	اتحادیه‌ی فروشندگان	اتحادیه	تهران، اصفهان
تولیدکننده و صادرکنندگان	اتحادیه‌ی تولیدکننده و صادرکنندگان فرش ایران	اتحادیه	تهران، اصفهان

یافته‌های پژوهش، نگارندگان

● قوانین مصوب (عادی)

سطح دوم قانونی که به بررسی آن می‌پردازیم قوانین مصوب است که در ایران آن را قوانین عادی، می‌نامند. تمام مقرراتی که با شرایط مندرج در قانون اساسی از تصویب مجلس شورای اسلامی بگذرد، قانون مصوب است و اجرای آن منوط است به تأیید شورای نگهبان، از نظر مخالفت نداشتن با قانون اساسی و احکام شرع، و امضای ریاست جمهوری. همچنین قواعدی که از راه همه‌پرسی به تصویب ملت رسیده است در شمار این قوانین می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

در بخش قانون اساسی نتیجه این شد که واژه‌ی سندیکا حذف شود و انجمن صنفی که از نظر تشکلی،

ضعیف‌تر (توان اثرگذاری کمتر) و استقلال کمتری دارد، جایگزین آن شود. با بررسی و مطالعه‌ی میدانی در این پژوهش روشن شد که در فرش دست‌باف فقط انجمن صنفی رفوگران تهران و حومه و بقیه‌ی تشکلهای غالب در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی^{۱۸} قرار دارد. اسناد موجود نیز نشان می‌دهد در زمان قبل از انقلاب سندیکای رفوگران فرش وجود داشته است (تصویر ۵). و اکنون انجمن صنفی جای آن را گرفته است.



تصویر ۴- کارت عضویت سندیکای کارگری رفوگران تهران و حومه قبل از جمهوری اسلامی (۱۳۴۸): یافته‌های پژوهش، نگارندگان



تصویر ۵- مراحل تضعیف تشکلهای مستقل در قوانین کشور: یافته‌های پژوهش، نگارندگان

مسأله‌ی قابل مطرح این است که چرا در فرش دست‌باف فقط رفوگران هستند که دارای انجمن صنفی کارگری هستند و قالیبافان و تولیدکنندگان و ... از این تشکل محروم مانده‌اند. بررسی میدانی گویای این مطلب است که جمعیت انبوه فعالان حوزه‌ی فرش که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در این حوزه اشتغال دارند حدود پنج میلیون نفر هستند (حتی کمتر). اگر یک سندیکا یا اتحادیه‌ی سراسری در کشور برای فعالان فرش دست‌باف وجود داشته باشد، در روند سیاسی کشور می‌تواند تأثیرگذار باشند؛ حتی برای پیگیری منافع و تصویب قوانین و تصحیح امور سندیکا باید توانایی لازم را داشته باشد و به‌طور مستقل عمل کند. مثلاً در انتخابات و احزاب مؤثر باشند که دستگاه‌های اجرایی به علت مسائل سیاسی و حزبی اجازه‌ی تشکیل آن را نمی‌دهند. شاید به ظاهر این تشکلهای مجاز است اما حتی از نظر قانونی هم مشکلاتی برای تشکلهای وجود دارد به‌عنوان مثال تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱۳۱ که دقیقاً نشان‌دهنده‌ی این امر است، در ادامه به آن پرداخته خواهد شد (جدول ۳).

جدول ۵- قانون مصوب مرتبط با تشکلهای

قوانین مصوب (عادی)		
قوانین عادی (مصوب)	تبصره‌ی چهار ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار	کارگران یک واحد فقط می‌توانند یکی از سه مورد «شورای اسلامی کار»، «انجمن‌های صنفی» یا «نمایندگی مستقیم» کارگران را داشته باشند.
	ماده‌ی ۷۷ قانون	به منظور حمایت از بافندگان فرش دست‌باف به کمیسیون‌های نظارت مراکز استان‌ها اجازه داده می‌شود، به تشخیص خود، در هر استان نسبت به تشکیل اتحادیه استانی، بدون رعایت مفاد ماده‌ی (۲۱) این قانون جهت بافندگان مذکور اقدام کنند. این اتحادیه‌ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان خود خواهند بود (قانون نظام صنفی کشور).

یافته‌های پژوهش، نگارندگان

تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار، آشکارا آزادی انتخاب و گزینش تشکل مورد علاقه کارگران را محدود ساخته و مقرر داشته است: کارگران یک واحد فقط می‌توانند یکی از سه مورد «شورای اسلامی کار»، «انجمن‌های صنفی» یا «نمایندگی مستقیم» کارگران را داشته باشند» علاوه بر محدود شدن حق کارگران و کارفرمایان در انتخاب سندیکای مورد علاقه‌ی خود، قانون کار زمینه‌ی حضور و دخالت دولت را در امور تشکل‌ها فراهم و بدین وسیله استقلال سندیکایی را زیر سؤال برده است. قانون به کارگران توصیه می‌کند اگر می‌خواهید «انجمن صنفی» که ترجمه‌ی نام سندیکا است را داشته باشید، بدانید که اساسنامه‌ی تشکل شما باید توسط دولت ثبت شود. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته هرچند در قانون سخنی از تصویب این اساسنامه‌ها توسط دولت به میان نیامده اما ثبت آن نیز بدون دخالت دولت ممکن نیست. پس دولت می‌تواند از امتیاز ثبت، همچون ودیعه بهره بگیرد و در صورت پسند نکردن اساسنامه یا نویسندگان آن و یا اعضای انجمن صنفی از ثبت اساسنامه سر باز زند و در نتیجه استقلال انجمن‌های صنفی را منکر شود. البته می‌دانیم که این اتفاق چندان دور از ذهن هم نیست هم‌چنان‌که در دولت نهم و در دولت‌های پیشین شاهد اعمال نظر وزارت کار در شکل‌گیری انجمن‌های صنفی بوده‌ایم.

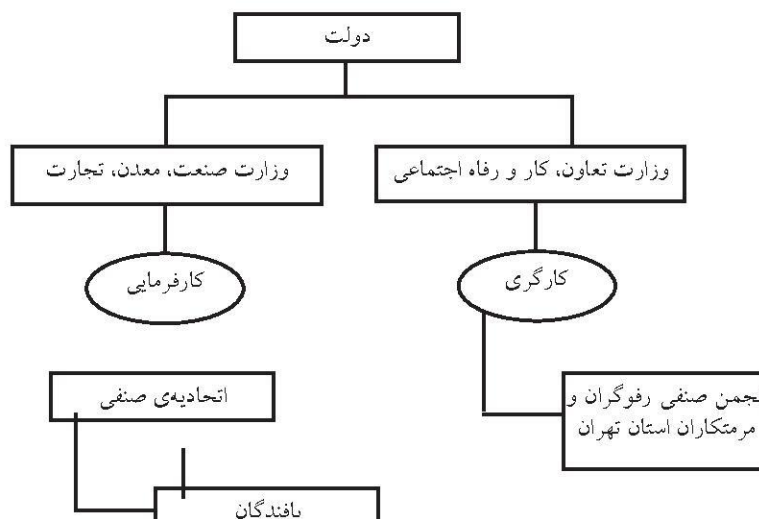
چنان‌چه تمام موازین دستگاه دولت رعایت شد و انجمن صنفی تشکیل شد، مقرر شده است که کارگران حقی در تعیین دستمزد و سایر مذاکرات سه‌جانبه‌ی شورای عالی کار ندارند (که دقیقاً نقض غرض خواهد بود چون مهم‌ترین کارکرد تشکل و سندیکا چانه‌زنی بر سر دستمزد و منافع گروهی است). البته بیشترین دخالت در شوراهای اسلامی کار است؛ چرا که طبق ماده‌ی ۱۵ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار «وزارت کار موظف است در واحدهایی که بیش از ۳۵ نفر شغل دائم دارند به تشکیل شورای اسلامی کار اقدام نمایند» (<http://rc.majlis.ir>) این در حالی است که شورای اسلامی کار به منظور تأمین قسط اسلامی و تبلیغ و گسترش فرهنگ اسلامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی به وجود می‌آیند و نه برای حفظ و دفاع از حقوق و منافع صنفی کارگر یا کارفرما، و نمی‌توان آن را سندیکای کارگری یا کارفرمایی نامید (رنجبری، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

محدودیت‌هایی که در قانون اسلامی ایران به شرح فوق در تشکیل و انتخاب سندیکای مورد علاقه کارگران و کارفرمایان اعمال شده است کاملاً مغایر با بند ۲ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده‌ی ۵ قسمت دوم منشور اجتماعی اروپا است. افزون بر این، طبق بند ۱ ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز قسمت اول منشور اجتماعی اروپا و نیز قسمت اول منشور اجتماعی اروپا و بند ۱ ماده‌ی ۱۲ منشور اروپایی حقوق بنیادین،

حق تشکیل سندیکا و پیوستن به آن، برای «هر کس»، بدون اعمال تبعیض به رسمیت شناخته شده است؛ این در حالی که ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار ایران در اجرای اصل بیست و ششم قانون اساسی حق تشکیل انجمن‌های صنفی را محدود به کارگران مشمول قانون کار نموده است (اتحادیه‌ی بین‌المللی تعاون، دفتر آسیا و اقیانوسیه (۱۳۹۰). به این ترتیب و با در نظر گرفتن این که مطابق مواد ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۸۹ و ۱۹۱ قانون کار، کارکنان دولت، کارگران کارگاه‌های خانوادگی، کارگران کشاورزی، باغداران، صیادان، کارکنان حمل و نقل، خدمه و مستخدمین منازل، کارگرانی که بخشی از مزد خود را از مراجعین یا مشتریان می‌گیرند، کارگران شاغل در کارهای دارای ساعات کار متناوب و نیز کارگران کارگاه‌های کوچک که از شمول قانون کار خارج هستند از حق تشکیل محروم شده‌اند (رنجبری، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

بنابراین بافندگان خانگی، از شمول قانون کار خارج می‌شوند و این خود نمونه‌ای از تبعیض بین فرادست و فرودست را نمایان می‌کند در این جا منظور از فرودست همان قالی‌بافانی هستند که چون نهاد حامی ندارند و یا اگر دارند (اتحادیه‌ی صنفی)^{۲۰} توانایی استقلال نهادی را نمی‌توانند به دست آورند. بر اساس حقوق شهروندی در حق مسلم آن‌ها در دنیای مدرن اجماع می‌شود و کسی همچون بافنده‌ی خانگی در یک روستا از انواع مزایای تشکلهای مستقل محروم خواهد بود مثل حداقل دستمزد و تأمین هزینه‌ی زندگی و همین‌طور حق بیمه که در ادامه به آن پرداخته شده است.

در همه‌ی انواع تشکلهای مستقل در ایران، دولت و حاکمیت حق نظارت و تحکم دارد. اما در بین انواع تشکلهای درجاتی از استقلال قابل مشاهده است مثلاً «انجمن صنفی» با «اتحادیه‌ی صنفی» تفاوت ماهوی دارند که همین امر باعث تبعیض بیشتر در عمل خواهد بود. تفاوت انجمن صنفی با اتحادیه‌ی صنفی در تشکل کارگری یا تشکل کارفرمایی آن مشخص می‌شود (تصویر ۷).



تصویر ۶ - نحوه قرارگیری تشکلهای کارگری و کارفرمایی و ضعف نظام کارگری و جامعه صنفی فرش دست‌بافه یافته‌های پژوهش، نگارندگان
انجمن صنفی، سندیکای کارگری مستقل است که بیشتر با وزارت کار نسبت به سایر ارکان حاکمیت ارتباط دارد

و کارکردی شبیه اتحادیه‌های کارگری دارد و به‌عنوان یک ابزار چانه‌زنی و به عبارتی تقویت جامعه‌مدنی است اما در قانون ایران ایجاد انجمن صنفی بسیار مشکل و شاید در عمل غیر ممکن است (گنج‌بخش، ۱۳۷۷: ۳۴). به‌عنوان مثال در فرش دست‌باف به غیر از انجمن رفوگران و مرمت‌کاران فرش مورد دیگر انجمن صنفی کارگری وجود ندارد. مطابق مقررات مربوط به تشکلهای، در تشکیل تشکلهای سه‌گانه‌ی صنفی حضور و دخالت دولت، امری آشکار است. در مورد تشکیل انجمن‌های صنفی، موضوع لزوم کسب موافقت قبلی از دولت به نحوی که در مورد شوراهای اسلامی کار مصداق دارد، مطرح نیست. ظاهراً تشریفات ثبت در مورد انجمن‌های صنفی، از جهت اعمال نظارت و کنترل دولت بر فعالیت‌های این نوع تشکلهای است و نه احراز موجودیت و صلاحیت آنها. دخالت دولت در ایجاد نمایندگی کارگران نیز در موادی از دستورالعمل مربوط به انتخاب نمایندگان کارگران، مشهود است. مطابق ماده‌ی ۴ این دستورالعمل، نامزدهای نمایندگی کارگران باید مراتب نامزدی خود را به طور کتبی به واحد کار و امور اجتماعی محل، اعلام دارند. پس از اعلام نامزدی، هیأتی مرکب از نماینده‌ی واحد کار و امور اجتماعی محل، نماینده‌ی کارفرمای همان واحد، یکی از کارگران همان واحد که خود کاندیدای نمایندگی نباشند در خصوص صلاحیت کاندیدها اعلام نظر خواهد کرد. اسامی کاندیدهای صلاحیت‌دار، توسط واحد کار و امور اجتماعی، اعلام و آگهی خواهد شد و انتخابات هم زیر نظر واحد کار و با نظارت هیأت مذکور انجام خواهد پذیرفت (همتی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). نکته‌ی اساسی در این رابطه مربوط به میزان استقلال نظام سندیکایی در ایران است، چرا که دولت چه در مرحله‌ی ایجاد تشکلهای و چه در اداره‌ی این تشکلهای به‌طور گسترده دخالت می‌کند و از این رو این پرسش اساسی مطرح می‌شود که نمایندگان ایرانی در مجامع و سازمان‌های جهانی و بین‌المللی تا چه حد نمایانگر اراده و خواست تشکلهای کارگری و کارفرمایی در کشور ما است. به خاطر کلی بودن شروط محدودکننده، دغدغه و نگرانی نهادهای مربوطه در تفسیر دموکراتیک از این شروط کلی است. متأسفانه قوانین موجود در راستای اعمال این محدودیت‌ها، عرصه را چنان محدود کرده‌اند که نظام سندیکایی را از فلسفه‌ی اساسی خود دور کرده‌اند (همتی، ۱۳۸۶: ۱۸۳). در اصل ۲۶ قانون‌گذار عضویت در اتحادیه‌ها را اختیاری دانسته است اما رویه‌ی کنونی جهت اخذ پروانه‌ی کسب و احقاق حق آزادی شغل، فرد را ملزم به عضویت در اتحادیه می‌نماید (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۵۶). بر اساس یافته‌های این پژوهش، اتحادیه‌ی صنفی، زیرمجموعه‌ی نظام صنفی که بیشتر با وزارت صنعت و معدن و تجارت سرو کار دارد در واقع مجموعه‌ی کارفرمایی است و به‌عنوان بخشی از جامعه‌ی مدنی است. در حاکمیت جمهوری اسلامی خوشبختانه تنها «اتحادیه‌ی صنفی» است که با تشکیل آن مخالفت نمی‌شود چون ساختار نظارتی دقیقی دارد و به عبارتی اساسنامه‌ها با نظارت و نظرات دولت‌ها شکل می‌گیرد. همچنین نماینده‌ی دولت در جلسات حضور دارد هر چند که اتحادیه‌های صنفی متأسفانه اجازه‌ی تشکیل اتحادیه‌ی سراسری ندارند و فقط در حد استانی تشکیل می‌شوند، که احتمالاً همان بحث سیاسی و حزبی که قبلاً ذکر شد می‌تواند عامل این قضیه باشد. به گفته‌ی کارمند مرکز ملی فرش در مصاحبه‌ی این پژوهش «اگر بافندگان و تولیدکنندگان اجازه‌ی تشکیل انجمن صنفی ندارند پس لاجرم باید اتحادیه‌ی صنفی تشکیل دهند، اما در اتحادیه‌ی صنفی بر اساس ماده‌ی ۷ آیین‌نامه‌ی اجرایی بند ب ماده‌ی ۱۰۱ برنامه‌ی پنجم توسعه باید پروانه کسب داشت تا بتوان آن را تأسیس کرد. در صورتی که بافندگان خانگی قطعاً پروانه کسب ندارند که ارائه دهند. مرکز ملی فرش برای حل این موضوع شیوه‌نامه‌ای نوشت که واحد صنفی طبق ماده‌ی ۷۷ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ بدون پروانه‌ی کسب شخص بافنده می‌تواند در خانه فرش ببافد و صرفاً با کارت شناسایی اتحادیه‌ی صنفی تشکیل دهد که از طریق مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به اشخاص پس از آزمون‌های مرتبط تعلق می‌گیرد».

گرچه هدف و قصد این ماده خیر و مصلحت‌اندیشی برای بافندگان بوده است اما چون مشکل سیستماتیک

است راه حل مقطعی و موردی نه تنها بهبود حاصل نمی‌کند بلکه اوضاع را بغرنج‌تر می‌کند. چون این کارتها اجازه‌ی ورود به تشکلهای سراسری و متحد را نمی‌دهد در نتیجه همان طور که ذکر شد توانایی احقاق حقوق بافندگان در این سیستم وجود ندارد. کوتاه سخن آن‌که تمامی راههای تشکیل انجمنهای مستقل و متحد، از قانون اساسی گرفته تا قانون مصوب به صورت سیستماتیک مانع ایجاد توازن قدرت بین دولت و کارفرما و کارگر (اصل نظام مدرن کارگری و کارفرمایی) در همه‌ی صنوف مخصوصاً فرش دستباف خواهد شد. شاید یک مثال بتواند اهمیت تشکلهای مدنی در فرش دستباف را نشان دهد: با توجه به ابلاغ دولت دوازدهم در ابتدای سال ۱۳۹۷، حداقل دستمزد یک کارگر در روز ۳۷ هزار تومان است اما یافته‌های نگارندگان نشان می‌دهد دستمزد روزانه قالی‌بافان که در کارگاه‌های قالی‌بافی کار می‌کنند از حدود روزانه ۱۰ هزار الی ۲۰ هزار تومان است. (بر مبنای شاخص‌های سال ۱۳۹۷) اگر چه در حال حاضر این ارقام تغییراتی داشته لیکن هنوز همگام با نرخ‌های تورمی فاصله معناداری داشته و قابل ملاحظه است. این‌که چرا بافنده کمتر از حداقل میزان دستمزد حقوق کار دریافتی دارد و چرا نمی‌تواند به حق قانونی خود برسد و صدای خود را به مسئولان برساند شاید صرفاً در تشکلهای استقلال آن‌ها است زیرا اگر یک سندیکای کارگری و یا حتی اتحادیه‌ی سراسری ملی فرش دستباف در کشور وجود داشت بافندگان با اتحاد و مدیریت سازماندهی‌شده با تأثیرگذاری بر انتخابات به حقوق اساسی خود می‌رسیدند. در یک جمع‌بندی کلی در جدول ۵ انواع تشکلهای فرش دستباف طبقه‌بندی شده است.

جدول ۶- انواع تشکلهای موجود در فرش دستباف

عنوان	تشکلهای فرش دستباف	ماهیت تشکل
بافندگان	اتحادیه‌های تعاونی‌های تولیدی شهری (استانی - سراسر ایران)	تعاونی
	اتحادیه‌ی مرکزی تعاونی‌های روستایی (استانی - سراسر ایران)	تعاونی
	اتحادیه‌ی صنفی (استانی - سراسر ایران)	کارفرمایی
طراحان و نقاشان	انجمن استانی در ۱۰ استان	انجمن
رنگرزان	فاقد تشکل	-
رفوگران و مرمت‌کاران	انجمن صنفی رفوگران و مرمت‌کاران (فقط استان تهران)	کارگری
خوشه‌های فرش	۱۷ خوشه در سراسر ایران	خوشه

یافته‌های پژوهش، نگارندگان

برای مشخص شدن کارکرد هر یک از این تشکلهای، در جدول ۷ به‌طور جداگانه هر یک تعریف شده است. جدول ۷- تعاریف تشکلهای مرتبط با فرش دستباف

نام تشکّل	تعریف تشکّل
تعاونی	شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می‌شود. تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ نفر کمتر باشد.
اتحادیه‌ی تعاونی	اتحادیه‌ی تعاونی با عضویت تعاونی‌هایی که دارای موضوع فعالیت واحد باشند، در سطح شهرستان یا استان تشکیل می‌شود. اتحادیه باید حداقل ۷ عضو داشته باشد. شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌ی استانی می‌توانند با مجوز وزارت تعاون اتحادیه‌ی تعاونی مرکزی تشکیل دهند. بدین ترتیب انواع اتحادیه‌های تعاونی عبارت هستند از: اتحادیه‌ی تعاونی شهرستان، اتحادیه‌ی تعاونی استان و اتحادیه‌ی تعاونی مرکزی
اتحادیه‌ی صنفی	کلمه‌ی اتحادیه‌ی صنفی در قوانین کشور به شکل زیر تعریف شده است: افراد یک صنف که برای حفظ حقوق و حیثیت شغلی با یکدیگر اشتراک مساعی دارند تشکیل اتحادیه‌ی صنفی می‌دهند. اتحادیه‌ی صنفی دارای شخصیت حقوقی است. (ماده‌ی ۵ از قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۰)
انجمن صنفی (کارگری و کارفرمایی)	در اجرای ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار، به منظور حفظ حقوق و منافع مشرّوع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران، کارگران مشمول قانون کار می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمن صنفی نمایند (کارگری). در اجرای ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار، به منظور حفظ حقوق و منافع مشرّوع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارفرمایان، کارفرمایان هر حرفه یا صنعت می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمن صنفی نمایند (کارفرمایی).
انجمن ^{۲۱}	انجمن از ریشه‌ی لاتین Associare به معنی جمع کردن، پیوستن و شرکت کردن گرفته شده است. (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۱). هر انجمن میثاقی است که بر پایه‌ی آن دو یا چند نفر دانسته‌ها و فعالیت‌های خود را به هم می‌آمیزند، تا با آن اهدافی فارغ از سودجویی یا کسب منافع مالی تحقق پذیرد.
خوشه	خوشه عبارت است از تمرکز جغرافیایی نهادها و شرکت‌های مرتبط با یکدیگر در یک حوزه‌ی خاص (بیکزاد و تیرنداز، ۱۳۸۸)

بافته‌های پژوهش، نگارنده

جدول ۸- جمع‌بندی یافته‌های پژوهش

گلچین

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱

۶۷

جمع‌بندی بخش قانون اساسی			
قانون اساسی	موضوع	مثال	نتیجه
اصل ۲۶	حذف واژه‌ی سندیکا و جایگزینی انجمن صنفی	تغییر ماهیت تشکلات سندیکایی قبل از انقلاب به انجمن صنفی.	کنترل سیستماتیک دولت بر تشکلات مستقل و گرفتن استقلال و آزادی از آنان برای پیگیری و چانه‌زنی برای منافع خود که نتیجه‌ی این کنترل دولتی ایجاد سیستم دسترسی محدود برای جامعه خواهد داشت.
اصل ۱۰۴	تشکیل شوراهایی از نمایندگان کارگران و کارفرمایان.	-	۱- هدف از تشکیل شوراهای، تأمین قسط اسلامی، همکاری در تهیه‌ی برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور امت و نه تأمین، حمایت و ارتقای منافع کارگران و یا کارفرمایان. ۲- شورایی را که در آن هم نمایندگان کارگران و هم مدیران حضور دارند نمی‌توان سندیکای کارگری و یا کارفرمایی نامید.
جمع‌بندی قوانین عادی			
قوانین عادی	موضوع	مثال	نتیجه
ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار	تأمین شوراهایی از نمایندگان کارگران و مدیران	محدود کردن شوراهای و تشکلات در یکی از ساختار نام برده‌شده که شامل «شورای اسلامی کار»- «انجمن صنفی» و «نماینده‌ی مستقیم کارگران» است.	۱- تشکیل شوراهایی که بیشتر از این که به‌عنوان سندیکای مستقل و قدرتمند عمل کنند، بیشتر فرمان‌بردار اوامر دولت‌ها هستند و صرفاً به امور روزمره می‌پردازند. - ضعف قدرت تشکلات انجمن صنفی نسبت به سندیکا. ۲- در حال حاضر فقط یک نمونه انجمن صنفی وجود دارد که محدود است به «انجمن صنفی رفوگران استان تهران».
ماده‌ی ۷۷ نظام صنفی	اتحادیه‌ی صنفی به‌جای انجمن صنفی	اتحادیه‌ی صنفی قالی‌بافان	۱- ضعف قدرت و استقلال و آزادی اتحادیه‌ی صنفی نسبت به انجمن صنفی. ۲- اتحادیه‌ی صنفی یک تشکلات کارفرمایی است نه تشکلات کارگری در حالی که بافندگان چون فروشنده‌ی نیروی کار و هنر خود هستند بیشتر ماهیت کارگری دارند تا خویش‌فرمایی و کارفرمایی. ۳- عدم وجود اتحادیه‌ی صنفی مرکزی و کشوری (فقط استانی وجود دارد). ۴- فقط مختص بافندگان است و رنگ‌رزان و طراح و چنین تشکلی ندارند.

یافته‌های پژوهش، نگارنده

■ نتیجه‌گیری

تمرکز اصلی این پژوهش، تحلیل نهادی کارکرد تشکلهای فرش دستباف در دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی به نظریه‌ی داگلاس سی. نورث صورت گرفته است.

مشکلات هنر-صنعت فرش دستباف با توجه به حضور تاریخی در بازار ایران و جهان به صورت پیچیده و بغرنج درآمده است و نیاز به اصلاحات کلان دارد. با توجه به پژوهش انجام‌شده، مشکلات موجود بر خلاف تصور اکثر بازیگران این حوزه (فرش دستباف)، بیشتر از آن که مدیریتی و وظایف دولتی باشد اساساً نهادی و قانونی است. به‌عنوان مثال موضوعی که به تفصیل در این مقاله پرداخته شده است، عدم وجود تشکل مستقل کارگری، در نتیجه عدم قدرت کافی برای احقاق حقوق کارگران است در حیطه‌ی تولید، توزیع و صادرات و فرش و... است.

مشکلات نهادی در هر سه سطح نهادی و قانونی کشور یعنی قوانین اساسی، مصوب و اجرایی وجود دارند و نیاز به اصلاح و یا تغییر همزمان همه‌ی آنها است و نه صرفاً اصلاح بخشی از آن؛ و اما از بین تمامی چالش‌های نهادی مهم‌ترین آنها نبود جامعه‌ی مدنی قدرتمند و عدم وجود تشکلهای مستقل همچون سندیکاها است که حضور این تشکلهای سراسری و مستقل در کشور، می‌تواند مشکلات دستمزد و حقوق کار و بیمه و... را حل کند، به عبارتی منافع خود را به صورت بهینه تشخیص داده و از طریق حق قانونی پیگیری نمایند. حتی در بخش صادرات، سندیکا و انجمن صنفی صادرکنندگان مسلماً کارکرد بهینه را نسبت منافع خود خواهند داشت تا مثلاً فلان مقام دولتی برای جمعی از فعالان فرش دستباف.

علت این که در این پژوهش بیشتر بر روی تشکلهای (سندیکا، اتحادیه‌ها، تعاونی و...) در فرش دستباف توجه شده، این است که الف: نبود تشکلهای هزینه‌ی مبادله را بالا می‌برد (عدم انسجام سراسری اصناف و اتحادیه‌های مرتبط با فرش دستباف برای حل مشکلات خود). ب: حقوق قشرهای مختلف جامعه که بر اساس چانه‌زنی محقق می‌شود را به گروه‌های سیاسی و یا امیال سیاست‌مداران می‌سپارد. ج: در جامعه‌ی دسترسی‌باز، دسترسی به رانت مولد اقتصادی برای همگان و نه صرفاً فرادستان است که این مهم نیاز به برابری حقوقی و آزادی و استقلال تشکلهای سازمان‌های مستقل است و اگر این جامعه‌ی مدنی پر قدرت وجود نداشته باشد دسترسی باز امکان پذیر نخواهد بود. در این پژوهش تأکید بیشتر بر عدم دخالت دولت است چرا که خاصیت تشکلهای این است که مستقل از حکومت باشند و بتوانند در مسیر منافع خود به راحتی چانه‌زنی کنند و به بازار خود سامان بخشند. یکی از مهم‌ترین و قوی‌ترین این تشکلهای سندیکا نام دارد که به علت نبود چنین تشکلی در ایران و در هیچ یک از مجموعه‌های فرش (بافندگان، رنگرزان، طراحان و...) در این صورت این افراد قدرت و توان چانه‌زنی در مقابل دولت را ندارند که از حقوق مالکیت، مسأله‌ی بیمه و... محافظت کنند. به‌عنوان مثال هر چند که برای طراح فرش قانون مالکیت معنوی در ایران وجود دارد و طراح طی فرایندی طرح خود را ثبت می‌کند اما دولت هیچ ضمانت اجرایی برای کپی‌برداری از طرح‌ها ندارد و طراح همیشه از این قضیه متضرر می‌شود.

همچنین در بررسی‌های انجام‌شده این نکته حائز اهمیت است که نابرابری بین اتحادیه‌ی تعاونی روستایی و اتحادیه‌ی تعاونی شهری وجود دارد. اتحادیه‌ی تعاونی روستایی زیر نظر وزارت صنعت معدن تجارت است و در ردیف بودجه به آن یارانه تعلق می‌گیرد و اتحادیه‌ی تعاونی شهری زیر نظر وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی که بودجه‌ای مستقل دریافت نمی‌کند.

این عدم تعادل بین این اتحادیه‌ها از طرف دولت و همچنین حمایت‌های دولتی در تشکلهای که باعث زیر سلطه قرار دادن تشکلهای می‌شود و آزادی را از آنها می‌گیرد تأثیرات منفی برای جامعه‌ی مدنی فرش دارد و به ساختار و بدنه‌ی بازار فرش دستباف آسیب رسانده است.



1- Mainstreame Economics

2- Douglass C. North

3- Ronald Coase

۴. در ایران، کلمه‌ی نهاد و سازمان گاهی معادل هم استفاده می‌شود که در این‌جا تأکید شده است این دو مفهوم کاملاً مستقل است.

۵. منظور از این جمله عدم دخالت قدرت سیاسی مرکزی (دولت).

۶. در این‌جا منظور از ساماندهی، سیاست‌گذاری است.

7-function

۸ فرهنگ را می‌توان به‌عنوان انتقال دانش، ارزش‌ها و دیگر عواملی که بر رفتار اثر می‌گذارند، از طریق آموزش و تقلید از نسلی به

نسل دیگر تعریف کرد (بوید و ریچاردستون، ۱۹۸۵: ۲)

9- Statute Laws

10- Approved laws

11- Common Laws

12- Specific By Laws

13- Specifications

۱۴. این سلسله مراتب که در علم حقوق هنجارهای حقوقی نامیده می‌شود.

۱۵. اسناد بالادستی که غالباً توسط نهادها و سازمان‌های غیر انتخابی مردم و به عبارتی انتصابی تصویب می‌شوند و مخصوص کشور

ایران است مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام در بخش رشد و توسعه‌ی فناوری- سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی -

سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری- قانون بودجه‌ی سالانه کشور- قانون برنامه‌های توسعه‌ی اول تا ششم بعد از انقلاب و...

16- Syndicat

سندیکا یا همان گروهی متشکل از کارگران و کارفرمایان که برای دفاع از منافع صنفی یا حرفه‌ها و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی

اعضای خود، اقدام به ایجاد تشکل می‌نمایند (قاضی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

۱۷. در اجرای ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار، به منظور حفظ حقوق و منافع مشروران و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران، کارگران مشمول

قانون کار می‌توانند مبادرت به تشکیل انجمن صنفی نمایند (کارگری).

۱۸. شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و

اجتماعی اعضاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مطرح است تشکیل می‌شود. تعداد

اعضای شرکت تعاونی نباید از ۷ نفر کمتر باشد (وزیر، ۱۳۸۷).

۱۹. البته آمار فعالان فرش متناقض است و مسئولین آمارهای متفاوتی را اعلام کرده‌اند.

۲۰. کلمه‌ی اتحادیه‌ی صنفی در قوانین کشور این‌گونه تعریف شده است: افراد یک صنف که برای حفظ حقوق و حیثیت شغلی با

یکدیگر اشتراک مساعی دارند تشکیل اتحادیه‌ی صنفی می‌دهند. اتحادیه‌ی صنفی دارای شخصیت حقوقی است (ماده‌ی ۵ از قانون

نظام صنفی مصوب ۱۳۵۰).

■ فهرست منابع

- اسکات، ریچارد. (۲۰۱۱). نهادها و سازمان‌ها. دده بیگی، مینا (۱۳۸۷). تهران: انتشارات سمت.
- اسکندری، محمد. (۱۳۷۸). نگاهی به مفهوم سیاست. حوزه و دانشگاه، ۲۱.
- ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی اصل بیست و ششم (موضوع جلسه بیست و ششم مشروح مذاکرات). سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس. بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸. پژوهشکده شورای نگهبان.
- اتحادیه بین‌المللی تعاون، دفتر آسیا و اقیانوسیه. (۱۳۹۰). سیر تحولات اخیر در تحولات قانون‌گذاری تعاونی‌ها در منطقه آسیا-اقیانوسیه. (مترجمان: احمد یوسفی و بابک لعل‌فام). تهران: انتشارات سنا.
- بیگزاد، جعفر و تیرانداز، حامد. (۱۳۸۸). خوشه‌های صنعتی و توسعه صنایع کوچک. تدبیر، ۲۱۲، ۵۲-۴۹.
- جفری‌ام، هاجسون (۱۳۸۶). جوهر اقتصاد نهادگرا چیست؟ (محمود متوسلی و محمود مشهدی احمد). اقتصاد، برنامه‌ریزی و بودجه، ۴۱.
- چاونس، برنارد. (۱۳۹۰). اقتصاد نهادی. (محمود متوسلی، علی نیکونسبتی و زهرا فرضی‌زاده میاندهی). انتشارات دانشگاه تهران.
- رنجبری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). حق شکل و آزادی سندیکیایی در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، دانشنامه حقوق و سیاست، ۹، ۹۵-۱۱۴.
- یتر، جورج. (۱۳۹۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (ترجمه: محسن ثلاثی). (چاپ بیست و چهارم). تهران: علمی.
- سردارنیا، خلیل‌اله و ساسان جاهدین محمدی. (۱۳۹۵). سازوکارهای حقوقی تعامل اصناف با دولت و ضعف نهادمندی اتحادیه‌های صنفی در ایران. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۸ (۱).
- فرجی، مرتضی و آزاده شاکری سیاوشانی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه صادرات فرش دست‌باف. فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، ۶۳، ۲۲۰-۱۹۳.
- فرگوسن، چالز. (۱۳۸۸). نظریه اقتصاد خرد (ترجمه: محمود روزبهان). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاضی، ابوالفضل «شریعت پناهی». (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸-سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- تابستان ۱۳۷۳).
- قاسمی، یارمحمد و علی هاشمی. (۱۳۹۸). انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش) مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام). فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۲۰ (۶۴ و ۶۵).
- قلی‌زاده، احد. (۱۳۹۳). تحلیل بر حقوق بخش تعاونی؛ خیال، نه واقعیت. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۴ (۳)، ۴۶۰-۴۴۱.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کمالی، مسعود. (۱۳۸۱). جامعه‌ی مدنی، دولت، نوسازی در ایران معاصر. تهران: نشر باز.
- گنج‌بخش، محمود. (۱۳۷۷). رژیم حقوقی انجمن‌های صنفی (کارگری و کارفرمایی) در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، تیرماه.

- لطیفی، سمیه، حشمت‌الله سعدی، حسن شعبانعلی فمی و سیدمحسن مشرف. (۱۳۹۳). تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی استان همدان. *نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۳۲، ۱۳۹-۱۱۷.
- متوسلی، محمود [و دیگران]. (۱۳۹۷). *اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند* (چاپ دوم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- متوسلی، محمود و جمال فتح‌اللهی. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه‌ی ایران. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۰ (۳)، ۵۲-۲۵.
- متوسلی، محمود. (۱۳۸۷). *توسعه‌ی اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش‌شناسی* (چاپ سوم). تهران: انتشارات سمت.
- متوسلی، محمود. (۱۳۸۲). *توسعه‌ی اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناختی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی.
- مهابادی، سیامک. (۱۳۸۱). بررسی تاریخی شکل‌های غیرحکومتی در تأسیس و استقرار جامعه‌ی مدنی در ایران. *نشریه‌ی پیام یونسکو*، ۱۲.
- مردانی، مهوش. (۱۳۸۴). *جامعه‌ی مدنی*. تاریخ‌پژوهی، ۲۲ و ۲۳.
- نورث، داگلاس سیسیل. (۱۳۸۵). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی (محمدرضا معینی). انتشارات برنامه و بودجه.
- نورث، داگلاس سیسیل. (۱۳۹۷). (میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی‌زاده). *فهم فرآیند تحول اقتصادی*. تهران: نهادگرا / مؤسسه‌ی غیرانتفاعی مطالعات دین و اقتصاد.
- نصیری اقدم، علی و زینب مرتضوی‌فر. (۱۳۹۶). دلالت اقتصاد نهادی برای بهبود محیط کسب و کار. *پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۶۴، ۵-۳۳.
- وزیر، محمود. (۱۳۸۷). *اتحادیه‌ی تعاونی (قوانین و احکام)*. تهران: پایگان.
- همتی، مجتبی. (۱۳۸۶). بررسی و تحلیل حقوق وسیله‌ای (حق بر سندیکا) در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ۴ (۷)، ۱۹۴-۱۷۱.
- Kingston, C & Caballero, G. (2009). Comparing theories of institutional change. *Journal of Institution Economics*. 5 (2), 51-180.
- North, Douglass C. (2005). *Understanding the process of Economic Change*. pricton University press.
- North. Douglass, Nantzavinos. C, sharig. Syed. (2004). Learning, Institutions and Economic Performance. *Perspectives on poltics*, 2 (1)
- Maguire, Moira: Delahunt, Brid. (2017). Doing a Thematic Analysis: APrac-tical, Step-by-step Guide for Learning and Teaching Scholars. (2017). *ALSHE-J*, 8 (3), 3351-3364.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- David C. Benton, Thomas, Katherine (2017), Exploring the Differences Between Regulatory Bodies, Professional Associations, and Trade Unions: An Integrative Review. *Journal of Nursing Regulation*. 8 (3), 4-11

- Pinto, Marcode, Michaelis, Jochen. (2018). The labor market effects of trade union heterogeneity. *Economic Modelling*. 78, 60-72.
- www.incc.ir
- <http://rc.majlis.ir>
- www.emdadimam.ir
- www.oli.org
- www.ilna.ir
- www.Torreh.com
- [http:// daneshnameh.roshd.ir](http://daneshnameh.roshd.ir)



دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱